

## شهروند فعال، دولت مسئولیت‌جو و اندیشیدن به پیروزی پایدار: بایسته‌های راهبردی دولت دوازدهم علی‌اشرف نظری (دانشیار روان‌شناسی سیاسی دانشگاه تهران)

۲۰ خرداد ۱۳۹۶

شماره مسلسل: ۴۴۰۰۳۲۶

شماره شاپا: ۵۳۸۵۲۴۲۳

### طرح مسئله

ابتدا بر این باور بودم که اندیشیدن به مسئله‌ای تحلیلی نیازمند برون آمدن از هیجان مثبت و فضای پرشوری است که ما را پس از پیروزی در انتخابات فراگرفته است. چون در نگره‌ها و پنداشت‌های موجود چنین آموخته‌ایم که مرزی حصین میان احساسات و عقلانیت برپاست که شاید در میانه احساس، در انتظار تراویدن بارقه‌های فکری بود. اما اینک که به مسئله دقیق تر می‌نگرم، به این باور تن می‌دهم که «احساس» و «ادراک» توأمان یک بار دیگر در متن جامعه ایرانی تجلی یافته است. در این شرایط، مگر می‌توان به سان گذشته، از مرزهای استوار میان شور و عقلانیت در سیاست سخن گفت؟ چرا که اگر چنین می‌بود، کدام نیرو می‌توانست این تحرک و سرخوشی ناشی از حضور حاضران را تأویل کند. آشکار است که اگر چنین کردیم پویایی سیاست را دریافته‌ایم و به سان موجودی «تاکسیدرمی» شده با آن مواجه شده‌ایم.

اینک پس از تأمل بسیار دریافته‌ام که «هوش عاطفی فرهنگی» و «عقلانیت برانگیخته»، ذاتی امر سیاسی است و نباید آن را نادیده گرفت. این بدان معناست که بسیاری از پدیده‌های سیاسی متضمن هیجان و احساس است، تا این که صرفاً مبین تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت "خنثی یا منفعلانه" و یا عقلایی باشند. در واقع، تمام مفاهیم سیاسی در معرض هیجان‌ات مثبت یا منفی (شناخت فعالانه) قرار دارند. (۱) فقط از طریق پایش نبض پرنوسان سیاست است که می‌تواند تمایز میان مشارکت و انفعال، سربرآوردن پدیده‌ای زایا و ایجاد نوعی شوق توأم با امید را فهمید و مهمتر از آن به دیگران فهماند! و این دومی چه کار دشواری بود!

اما مسئله مهم‌تر این است که همواره گفته‌اند احساس و شور میل به فرونشستن دارد و «آنچه زود آید، دیر نپاید!» چگونه می‌توان در شرایطی پرنوسان، از «فیگاروی جاودان» (۲) سخن گفت و گره پیوندهای میان دولت و ملت را محکم‌تر کرد؟ آنچه اندیشیدن به این امر را دشوارتر می‌کند، آن است که در تجربه ایرانی، بامداد خوش باهم‌بودن دیری نمی‌پاید و دوباره همه پی‌کار خود می‌روند. به تعبیر دیگر، اغلب گفته می‌شود «ما پیش از انتخابات بیدار می‌شویم و پس از آن دوباره می‌خوابیم!»

برای برون‌رفت از این وضعیت چه باید کرد؟ آیا باید چونان گذشته، حلقه‌های وصل میان این دو (مردم و منتخبین آنها) در فردای پس از انتخاباتی یکی‌یکی سست گردد و بیداری را در انتخابات دیگر تجربه کنیم. یا می‌توانیم چند صباحی خواب را بر خود حرام کنیم و راه رخوت و مفارقت ببرندیم. یک بار برای همیشه عهد کنیم که گردونه فعالیت - انفعال را به چرخه مستمر تحرک - مسئولیت مبدل سازیم و این سرخوشی‌های تاریخی توأم با رنج را بی‌پایان سازیم. از «دشواری وظیفه» و برداشتن گام‌های استوار در مسیر صعب کوه‌ها نهراسیم و «نوسفر» یک راه باشیم؛ راهی برای پیشرفت ایران!

### راهکار پیشنهادی

ارتباط و تعامل نهادینه میان ساختارهای سیاسی اجتماعی ضرورتی گریزناپذیر برای حفظ و تداوم زندگی سیاسی و دستیابی به «تعادل سیاسی» (Political Equilibrium) است. تحلیلگران و نظریه‌پردازان حوزه جامعه‌شناسی سیاسی بر این باورند که نظر به زمینه‌های اجتماعی قدرت سیاسی، سیاست‌گذاران و نخبگان فکری هر نظام سیاسی باید بکوشند با اتخاذ تدابیر و راهکارهای مؤثری به ترسیم چشم‌اندازهایی بپردازند که در پرتو آن گسست و افتراق میان ساختارهای سیاسی و اجتماعی تقلیل یافته، و زمینه‌های ادراکی و هنجاری لازم برای پذیرش عمومی و رضایت جمعی بسط یابد. در این چارچوب، موفقیت نظام سیاسی محصول اشتراک و ترابط نظام‌های ارزشی هنجاری موجود در دو عرصه سیاسی و اجتماعی و وجود شبکه پیچیده‌ای از وابستگی متقابل میان ساختارهای سیاسی و اجتماعی است. مسائلی نظیر بحران/تعامل، منازعه/همگرایی، کارآمدی/ناکارآمدی، ثبات/انقلاب، ... بیانگر وجوهی ناهم‌ساز (Paradoxical) از نحوه تعامل و ارتباطیابی موفق یا ناموفق نظام سیاسی با محیط خویش است.

حسن روحانی رئیس‌جمهور منتخب مردم ایران در جریان مبارزات انتخاباتی دوره دوازدهم ریاست جمهوری، بر وکیل بودن

استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.  
متون سیاستی منتشرشده در شمس، بیانگر دیدگاه نویسندگان  
بوده و لزوماً نظر این شبکه نیست.

خود تأکید کردند. کسی که در مقام دفاع از حقوق شهروندان برآمده و آنها را در پیشگاه قاضیان برای احقاق حق، یاری خواهد کرد. در این شرایط که «وکیل‌الرعیای» دیگری سربرآورده است، پیشنهاد می‌شود «شورای عالی دولت و شهروندان» (۳) متشکل از همه اصناف و شئون اجتماعی شکل گیرد تا بتوان از این رهگذر به بسط پیوند دولت و مردم یاری رساند. شورایی با اعضای متشکل و قانونمند که تلاش خواهند کرد منافع جمعی را پایش کنند و به سان نوعی پل ارتباطی، خواسته‌های عمومی را در کوتاه‌ترین زمان به ساختارهای رسمی منتقل کنند. این امر می‌تواند در غیاب احزاب سیاسی، موجب تجمیع منافع عمومی و سازوکاری نظیر «پله‌بیسیت» (۴) در سوئیس برای به کرسی نشاندن ایده‌های عمومی باشد. ایده‌هایی که اگر در درازمدت مورد نظر قرار نگیرد، می‌تواند موجب سرخوردگی اجتماعی و انفعال سیاسی شود. پیروزی یا شکست آقای روحانی در این دوره، پیروزی یا شکست یک دولت نخواهد بود؛ بلکه پیروزی یا شکست تاریخی یک ملت خواهد بود. اگر این روحیه/حالت مناسب روانی (Mood) که در آن امید و تحرک در سطح ملی شکل گرفته است، از بین برود؛ همه بازنده خواهیم بود؛ چه آنها که رأی داده‌اند و چه آنها که به ایشان رأی نداده‌اند. به امید آن که همه این مسئله را درک کنیم.

## پانویس‌ها

۱. بنگرید به دیوید پاتریک هاوتن (۱۳۹۵)، *روانشناسی سیاسی*، ترجمه علی اشرف نظری و شهرزاد مفتوح. چاپ دوم، تهران: قومس: فصل دهم.
۲. تداوم حال خوب
۳. شاید برخی از نخبگان قدرت، این ایده را پوپولیستی بدانند و آن را با هدف حفظ سلسله‌مراتب قدرت رد کنند. اما باید در برابر ایده‌های نخبه‌گرایانه آنها و ضرورت حفظ پیوند دولت و مردم در فردای پس از انتخابات مقاومت کرد. امری که تحرک اجتماعی پایدار و نهادینه شدن روندهای مردم‌سالاری را موجب خواهد شد.
۴. plebiscite: کسب نظر مردم درباره یک موضوع سیاسی دارای اهمیت عمومی و اعمال حاکمیت مستقیم از طریق اعتماد عمومی نسبت به شخصیت‌های سیاسی.